

خبر

شجریان به هیچ حزب و جریان سیاسی وابسته نبود



بخش فرهنگی – گروهک تروریستی منافقین در تازه ترین اقدام، این روزها در تلاش است تا با طرح ادعاهایی کذب درباره محمدرضا شجریان، اعتباری برای خود به دست آورد؛ این در حالی است که این هنرمند ایرانی بارها در زمان حیاتش تأکید کرده بود که به هیچ حزب یا گروه سیاسی تعلق ندارد؛ نکته ای که در مراسم تشییع او توسط فرزندش – همایون شجریان – هم بر آن تأکید شد.

ادعاهای کذب گروهک تروریستی منافقین درباره ارتباط با محمدرضا شجریان پس از مرگ این استاد آواز ایرانی، در حالی مطرح می شود که فقط مرور مصاحبه سال ۹۵ این هنرمند با روزنامه ایران، کافی است تا به وضوح پرده از دروغ هایشان برداشته شود. ضمن اینکه در این روزها بسیاری از دوستان و نزدیکان محمدرضا شجریان با انتشار مطالب اعتراضی به طرح این ادعاها، بر این نکته تأکید دارند که محمدرضا شجریان صدای مردم ایران بود و نه دشمنان آنها.

همچنین بیشتر مسعود خدابنده از اعضای ادعاشده گروهک تروریستی منافقین هم در گفت و گویی که اردیبهشت ماه امسال توسط پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شد، تأکید کرده است که «یادگار هست سازمان مجاهدین خلق مدتی به دنبال شجریان بود تا او را جذب کند که بالاخره به زبان آمد و علی علیه‌شان حرف زد که بگذارند و بروند.»

اما علی ترین موضع محمدرضا شجریان درباره گروهک تروریستی منافقین به سال ۹۵ برمی گردد. زمانی که این هنرمند در آخرین مصاحبه اش با روزنامه ایران، صراحتاً اعلام کرد که به هیچ گروه و حزب سیاسی وابستگی ندارد و اجازه نمی دهد از موقعیت هنری او سوء استفاده کنند.

استاد آواز ایران در این گفت و گو در پاسخ به سوال خبرنگار مبنی بر اینکه ظاهرا شما از ابتدای انقلاب وقتی دیده بودید که یکی از کنسرت هایتان توأم با یک میتینگ سیاسی است اعتراض کرده بودید و حتی بارها در خارج از کشور گروه های سیاسی خاص همچنین رفتاری داشتند و هم معترض شدید گفته بود: بلی، من سخت جلوی کسانی که فعال سیاسی بودند یا احزاب سیاسی که می خواستند از موقعیت هنری من سوء استفاده کنند ایستادم. من قفتم این سالن، سالن کنسرت است و مردم آمده اند صدای ساز و صدای مرا بشنوند و خواستم آنها از سالن بیرون بروند. به آنها گفتم شما حق ندارید در این سالن اعلامیه پخش کنید یا شعار بدهید چرا که این کار سوءاستفاده از یک موقعیت است. برای مثال سال ۶۸ چندین بار کسانی که دیدگاه سیاسی داشتند در کنسرت من اختلال ایجاد کردند. یک دفعه دیدم برگزار کننده که خودش وابسته به فلان حزب بود و داشت تبلیغ می کرد که فلان حزب متولی این کنسرت است.

شجریان همچنین در پاسخ به اینکه این احزاب را می شود نام ببرید؟ عنوان کرده بود: یک بار حزب توده این کار را کرد، یک بار مجاهدین (منافقین) این کار را کردند. هر بار یکی از این ها سراغ ما می آمدند و تقاضاهایی داشتند و من مجبور شدم کنسرت را تعطیل کنم و اعلامیه دادم به دلیل اختلال در کنسرت، این کنسرت تعطیل است. برای اینکه ما برای این حرف ها اینجا نیامده ایم. آنهایی که اهداف سیاسی دارند دنبال یک جمعیتی مفت و مجانی می گردند که آنجا اعمال سلیقه کنند. من گفتم حق این کار را ندارید چون مردم به خاطر من و گروهم آمده بودند که موسیقی گوش کنند، آنها نیامده اند که شعار سیاسی گوش کنند.

محمدرضا شجریان در ادامه این گفت و گو همچنین با یادآوری اعلام چندین باره مواضعش در قبال گروهک تروریستی منافقین گفته بود: چندین سال پیش از این نیز کنسرتی در شهر استکهلم با گروه عارف به سرپرستی زنده یاد پرویز مشکاتیان داشتیم به محض حضور ما در صحنه گروهی شروع کردند به شعار دادن، تا نشستیم دیدیم از این طرف و آن طرف شعارهایی بر ضد جمهوری اسلامی سردراندند. بچه های گروه همه ناراحت شدند. بعد از اندکی متوجه شدیم یک عده ای خاص، با برنامه ریزی که از قبل تدارک دیده شده رفته اند بلیت ها را خریده اند و اکثریت جمعیت سالن را آنها تشکیل داده اند. وقتی اینها شعار دادند ما فقط نشستیم و گوش کردیم و اینها شعارهایشان را دادند. دیدند ما هیچ کاری نمی کنیم. یک عده از مردم عادی هم که آمده بودند هم دست زدند که ما کارمان را شروع کنیم. من هم به پرویز گفتم که تصنیف آخر را اجرا کنیم و بعد برویم. ما دو قسمت برنامه داشتیم در هر کدام پنج تصنیف بود که فقط تصنیف آخر را اجرا کردیم و بلند شدیم و رقیم بیرون و بچه ها سازهایشان را هم آوردند. به کسی که برنامه را اعلام می کرد گفتم پشت میکروفون بگویید به احترام کسانی که از راه های دور و نزدیک بلیت خریده و آمده بودند ما این تصنیف را اجرا کردیم ولی به اعتراض از این بی حرمتی که اینها به ساحت هنر و شما مردمان داشتند، کنسرت را تعطیل می کنیم و پول هایتان را پس بگیرید و بروید. بعدا معلوم شد برگزارکننده خودش با اینها دستش یکی بوده که من پشت صحنه آدمم هرچه توانستم به او گفتم. به دلیل همین اختلال در این کنسرت، سه کنسرت دیگر را اصلا برگزار نکردیم. کلی هم شخص خودم ضرر و زیان برای کنسرت ها دادم. مخارج و پول سالن هم افتاد گردن من و همه را پرداخت کردم. هیچ کس نیست که بگوید آفرین شجریان که این کارها را کردی! من نمی خواستم کار سیاسی بکنم. ما از سیاست به دور هستیم اما عه ای کار سیاسی می کنند و برنامه ما را به هم می زنند.

یک بار هم اول کنسرت سال ۵۸ که «بران ای سرای امید» با شعر ساریه و آهنگ لطفی و «پروانی به سر کن خواب و مستی» با شعر جواد آذر و آهنگ مشکاتیان اجرا شد؛ این دو تصنیف ضد و نقیض همدیگر بود. این را در تالار رودکی (وحدت) کنسرت می دادیم. یادم هست که در ابان ماه این اتفاق می افتاد. آقایان لطفی و اینتهاج برنامه ریز کنسرت ها بودند. گفتند که در دانشگاه ملی دو شب کنسرت داریم و یک شب هم در تالار رودکی فعلی (سالن کوچک) کنسرت داشت.

{فرهنگ و هنر }

سریال‌های کره‌ای، دلبر چشم‌بادامی نوجوانان ایرانی

بخش فرهنگی – همه چیز از سریال‌های کره‌ای شروع شد؛ سریال‌هایی که فرهنگ، نوع پوشش و حتی سبک زندگی مردمان کره جنوبی را به نمایش می‌گذاشت و داستان‌های عاشقانه آن به قدری رمانتیک بود که جوانان کشورمان را به سمت سبک زندگی کره‌ای علاقه‌مند کرد و بعد از مدتی ما با نوجوانانی رو به رو شدیم که علاقه زیادی به زندگی در کره داشتند، لباس هایشان را با مد روز کره هماهنگ می‌کردند و کلاس زبان کره‌ای می‌رفتند تا بتوانند بیشتر خودشان را با سبک زندگی آنها آشنا کنند.

از وقتی که پای چشم‌بادامی‌های کره‌ای با سریال‌های‌شان به جدول پخش تلویزیون باز شد بیش‌تر از ۱۶– ۱۵ سال می‌گذرد، اگر چه هنوز باز پخش سریال‌های کره‌ای را می‌توانید از شبکه‌های مختلف رسانه ملی ببینید و حتی باز پخش این سریال‌ها هم طرفداران بسیاری دارد. سریال‌هایی که محبوبیت آن‌ها با «بانگوم» و «چومونگ» به اوج خود رسید و بعد از آن ساعات زیادی از پخش تلویزیون را اشغال کرد تا تعدادشان حتی از سریال‌های ایرانی هم بیشتر شود. رفتار محبت آمیزی که تلویزیون با سریال‌های کره‌ای داشت کاملا بی‌سابقه بود.

پیش از این هیچ کشور دیگری نتوانسته بود اینطور محصولات تولیدی‌اش را در فیلم و سریال در تلویزیون ایران ببیند. اما این فقط کشور ما نیست که درگیر محصولات کره‌ای شده است. موج سریال‌ها ومحمولات کره‌ای حالا چندساله‌ست که نه تنها در کشور ما بلکه در دنیا شناخته شده است. موجی که این روزها ۲۰ سالگی‌اش را جشن می‌گیرد. موجی که حالا مثل یک وپروس ویدئوکلیپ‌هایش، موسیقی‌های پرسروصدايش و رقص و آوازهایش بین نوجوان‌های ایرانی دست به دست می‌چرخد. روز به روز به تعداد کاتال‌های هواداری‌اش اضافه می‌شود و هواداران کم سن و سال‌هایش برای پربازدید شدن ویدئوهایش در یوتیوب سرودست می‌شکنند در کلوب‌های هواداری برای سلبریتی‌های چشم‌بادامی‌محبوب‌شان جیغ و هورا می‌کشند. کشورى که تا دو دهه پیش تصویرش برای مردم جهان تصویر یک کشور سنتى و بسته و جنگ زده بود به یکباره آنقدر گروه‌های موسیقی و فیلم‌سازی‌اش محبوب شدند که دل نوجوان‌ها زیادی را قاب زدند و خانواده‌هایشان را از این دلدادگی حیرت‌زده‌کرده‌اند!این موضوع تا جایی پیش رفت که تا پیش از شیوع کرونا اگر به در سفارت کره جنوبی می‌رفتید با عده زیادی از نوجوانان و جوانان رو به رو می‌شدید که در روایت رفتن به سئول بودند. اما سوال اینجاست چرا جوانان ما تا این حد به فرهنگ و سبک زندگی یک کشور دیگر علاقه‌مند هستند؟ آواز یک نوجوان امروزی است که به شدت به فرهنگ کره‌ای علاقه‌مند است. موهای صاف چتری‌اش روی پیشانی‌اش ریخته و چشمانش را به سبک جوانان کره‌ای آرایش کرده است. او می‌گوید: «علاقه من به کره از سریال «تو زیبایی» شروع شد، بعد از آن سریال‌های «وارثان»، «الارم عشق»، «سرنوشت»، «کیمیاجر» و عاشقان ماه را دیدم و شیفته کره‌ای‌ها شدم. همیشه دلم میخواست در کره زندگی کنم و حتی بارها به مادرم گفتم‌ام که چرا مرا در کره به دنیا بیاورد! است: زندگی در کره، لباس‌هایی که می‌پوشند و حتی نوع آرایش مو و صورتشان به قدری زیبا است که هر کسی را مجذوب خودش می‌کند. من سال پیش دلم می‌خواست خودم را با عمل جراحی زیبایی شیبه به کره‌ای‌ها کنم، اما دکتر این اجازه را به من نداد و گفت باید ۱۸ سانت کامل شوم، من الان ۱۷ سانت دارم و باید یک سال دیگر برای این کار صبر کنم. به پدرم گفتم‌ام اگر من را دوست دارد و به زندگی و آینده من علاقه‌مند است باید مرا به کره ببرد. زندگی در سئول یکی از بزرگ‌ترین آرزوهای من است.»

او در ادامه می‌گوید: «زبان کره‌ای خیلی سخت است با این حال من ۲ سال است که مشغول یادگیری زبان کره‌ای هستم و الان به خوبی می‌توانم صحبت کنم. کتاب‌های کره‌ای می‌خوانم و روزیک کره‌ای می‌دمم. حتی دیگر سریال‌های کره‌ای را بدون زیرنویس و ترجمه می‌بینم. من عاشق سبک زندگی آن هستم و حتما به سئول خواهم رفت. من تصمیم را گرفته‌ام و حتما مهاجرت خواهم کرد.» او در خصوص آرایش مو و صورتش می‌گوید: «من موهای مجعدی دارم، اما آن را دوست نداشتم، چون موهای کره‌ای‌ها اکثرا صاف و لخت است، از آن جایی که از اتو کشیدن موهايم خسته شده بودم به آرایشگاه رفتم و موهایم را کامل کرانتبه کردم. بعد هم چتری زدم که شبیه به موهای کره‌ای‌ها شد. مدل آرایش کره‌ای‌ها الان در فضای مجازی آموزش داده می‌شود و من به خوبی این نوع آرایش را یاد گرفته ام. حتی یک بار خودم را گریم کردم و کاملا شبیه کره‌ای‌ها شده بودم. کاش من در کره به دنیا می‌آمدم.»

سریال‌های کره‌ای چه چیزی را به نمایش می‌گذارند؟

از هر یک از جوانانی که دلپسته فرهنگ کره‌ای هستند پرسیدم علاقه شان چطور شروع شده است بدون شک از سریال‌های کره‌ای مختلف اسم می‌برند، اما سوالی که مطرح است این است که در سریال‌های کره‌ای چه چیزی به نمایش گذاشته می‌شود که جوانان و نوجوانان را تا این حد شیفته خود کرده است؟ در سطح آسیا و حتی جهان، سینمای کره بسیار ارزشمند است. کارگردانان جوان این کشور توانسته‌اند نام خود را در بین علاقه‌مندان به سینما مطرح کنند. از طرفی بهترین سریال‌های کره‌ای در بین ایرانیان بسیار محبوب هستند. دلیل آن شاید به پخش سریال‌های کره‌ای درباره نوجوانان است و ژانری تینیجرى دارند. این سبک از سریال‌های کره‌ای هم می‌توانند قشر جوان‌تر ه جامعه‌ای را به خود جذب کند. تاکنون تعداد زیادی از بهترین سریال‌های کره‌ای به زبان فارسی دوبله شده و از شبکه‌های ایرانی پخش شده است. سریال «تو زیبایی» سریالی کره‌ای و محصول سال ۲۰۰۹ است. این سریال از تاریخ ۷ نوامبر تا ۲۶ نوامبر ۲۰۰۹ (۱۶ آبان تا ۵ آذر ۱۳۸۸) از شبکه SBS به روی آنتن رفت.داستان این سریال درباره یک گروه موسیقی خیالی به نام آی. ان. جی. است. پسری به نام گو می – نام به این گروه معروف برای همکاری دعوت شده است. اما برای جراحی چشم باید به آمریکا برود. خواهر دوقلویش گومی– نیو خودش را به جای برادرش جا می‌زند تا برادرش فرصت ملحق شدن به این گروه را از دست ندهد. گو می– نیو تمام عمرش را در کلیسا گذرانده و درس راهبگی خوانده است. اما حالا باید خودش را با این گروه موسیقی معروف و شرایط زندگی‌شان وفق دهد. در سریال تو زیبایی بازیگرانی همچون پارک شین‌هه، چانگ گیون–سوک، جونگ یونگ–هوا و لی هونگ–کی حضور دارند. سریال تو زیبایی در مراسم جایزه «بهترین ستاره جدید» را برای پارک شین‌هه، لی هونگ–کی و جونگ یونگ–هوا به ارمان آورد. همچنین جونگ یونگ هوا در سومین دوره مراسم Korea Drama Awards جایزه «محبوب‌ترین بازیگر» را دریافت کرد. این سریال در کشورهایی مانند ویتنام، مالزی، فیلیپین، ژاپن، چین، تایلند و ایران دوبله و پخش شده است. سریال «وارثان» یکی دیگر از بهترین سریال‌های کره‌ای است. این سریال از تاریخ ۱۹ اکتبر تا ۱۲ دسامبر ۲۰۱۳ (۱۷ مهر تا ۲۱ آذر ۱۳۹۲) در ۲۰ قسمت پخش شد. سریال وارثان در کره بینندگان زیادی داشت و در آسیا به شهرت زیادی رسید. داستان این سریال درباره رابطه عاشقانه کیم تان، پسر دوم رئیس گروه ثروتمند امپراطوری و دختر خدمتکاری به نام چا یون–سانگ است. کیم تان همیشه به خاطر اینکه پسر زن دوم پدرش است تحقیر شده است. به همین دلیل او سعی دارد مادر واقعی‌اش را از دیدگران مخفی کند و خودش را به عنوان پسر همسر رسمی پدرش معرفی کند. پدر کیم تان می‌خواهد که پسرش با دختری به نام یو رائه ازدواج کند، اما کیم تان عاشق دختر فقیری به نام چا یون–سانگ شده است.

لی مین–هو، پارک شین–هه و کیم وو–بین بازیگران اصلی این سریال هستند. این سریال در کشورها زیادی مانند پاکستان، چین، اندونزی، ژاپن، مالزی، هند، تایلند و ویتنام دوبله شده و به روی آنتن رفته است.این سریال در بیست و یکمین مراسم SBS Drama Awards جایوز زیادی را به خود اختصاص داده است؛ جوایزی مانند بهترین بازیگر مرد، بهترین بازیگر زن، جایزه ویژه بازیگری برای بازیگر زن، ۱۰ ستاره برتر و بهترین ستاره جدید. همچنین در دومین مراسم Asia Rainbow TV Awards سریال وارثان جوایز بهترین درام مدرن، بهترین بازیگر زن، بهترین بازیگر مردانی و بهترین فیلمنامه را دریافت کرده است. سریال «عاشقان ماه» سریالی کره‌ای است که بر اساس رمانی پیچیده به نام Bu Bu Jing Xi– نوشته تانگ هوا ساخته شده است. این سریال از تاریخ ۲۹ اگوست تا ۱ نوامبر ۲۰۱۶ پخش شد. این سریال درکل ۲۰ قسمت داشت. سریال عاشقان ماه هم به خاطر محبوبیتی که دارد، یکی دیگر از بهترین سریال‌های کره‌ای به حساب می‌آید. داستان سریال درباره «هه سو» دختری از قرن بیست و یکم است که به یکباره در زمان سفر می‌کند و به گذشته می‌رود. او خود را در زمان سلسله پادشاهی گوریو (سال ۹۶۱ میلادی) می‌یابد. در سریال عاشقان ماه بازیگرانی، چون لی جون–کی، لی جی–اون و کانگ ها–تئول ایفای نقش کرده‌اند. این سریال با قیمتی بیشتر از

۴۰۰۰۰۰ دلار برای هر قسمت به یک شبکه چینی فروخته شد. به همین دلیل سریال عاشقان ماه تبدیل به یکی از گران‌ترین سریال‌های کره‌ای شد. البته چند ماه بعد این رکورد را سریال MA–TO MA زد. سریال عاشقان ماه جوایز زیادی گرفته است. به عنوان مثال در مراسم SBS Drama Awards این سریال جوایز بهترین بازیگر مرد، بهترین زوج، ۱۰ ستاره برتر و ستاره جدید را دریافت کرد. این سریال در کشورهای مختلفی مانند چین، ژاپن، تایلند، فیلیپین، ترکیه و ایران پخش شده است. همه این‌ها نشان می‌دهد سینمای کره علاقه جوانان و نوجوانان را شناخته و با پویایی و زیرکی در حال شناساندن فرهنگ خودش به تمام دنیا است. موضوعی که دست اندرکاران در کشور ما از آن غافل مانده اند!



طراهی از آن را روی پیشانی رها کرده اند. اکثرا ابرهایشان را تمیز می‌کنند و به سبک کره‌ای‌ها صاف بر می‌دارند. صورتشان اکثرا سه تیغه است و موزیک‌های کره‌ای گوش می‌دهند. روی بدنشان به زبان کره‌ای چیزی تتو می‌کنندو لباس پوشیدنشان کاملا منطبق با مد روز کره است. این افراد اکثرا دوستداران هنرمندان کره‌ای هستند و به دنبال راهی‌اند تا بتوانند سئول و مردمان کره را از نزدیک ببینند! تب علاقه به کره در بین جوانان کشور ما تا جایی پیش رفته است که چند سال پیش یک جوان یاسوجی به خاطر علاقه به «سوسانو» هنرپیشه زن سریال چومونگ و مخالفت پدرش برای ازدواج با این زن، اقدام به خودکشی کرد. این جوان که پس از تماشای سریال چومونگ به سوسانو علاقه‌مند شده بود و قصد ازدواج با او را داشت، خودکشی به خاطر شبه به «سوسانو» هنگامی اتفاق افتاد که خانواده‌اش را از این تصمیم مطلع کرد، با مخالفت آن‌ها روبه‌رو شد.

جوان یاسوجی از پدرش خواست تا با فروش گوسفندانش هزینه سفر وی به کشور کره و یافتن سوسانو را تأمین کند و زمانی که متوجه شد خانواده‌اش حاضر به فروش گوسفندان نیستند، با خوردن قرص اقدام به خودکشی کرد. به دنبال این ماجرا، والدین جوان عاشق پیشه او را به بیمارستان منتقل کردند و با تلاش پزشکان، او از مرگ حتمی نجات یافت.

پدر این جوان در ارتباط با این موضوع گفته بود: «پسرم تصور می‌کرد به راحتی می‌تواند به کشور کره سفر و با هنرپیشه زن این سریال ازدواج کند و زمانی که به وی گفتم مبلغ فروش کل گوسفندان که تمام دارایی من است آن قدری نیست که بتوانی به سئول بروی، او در اقدامی عجیب دست به خودکشی زد و اگر کمی دیر به بیمارستان می‌رسید، به طور حتم جان خود را از دست می‌داد.»

جوانان خلاهای فرهنگی‌شان را بر می‌کنند

با این حال سوالی که در این بین مطرح می‌شود این است که چه چیزی سبب شده تا جوانان تا این حد علاقه‌مند به کره و فرهنگ آن بشوند؟ کره‌ای کریمی جامعه شناس و آسیب شناس اجتماعی در این خصوص به ما گفت: «سریال‌های کره‌ای یک عامل تاثیرگذار در شکل‌گیری این آفریند هستند، البته این مسئله و تحت تاثیربودن مختص ایران نیست. زمانی برخی جوانان از چینی‌ها پیروی می‌کردند و مدل آبروی خود را به شکل آن‌ها درمی‌آوردند. این مسئله می‌تواند نوعی اعتراض به وضع موجود هم باشد. البته نوع خانواده، پایبندی به ارزش‌ها و هنجارهای ملی و میهنی و نحوه تربیت نیز در این مسئله بسیار موثر است. وقتی جامعه ما خالی از فرهنگ ایرانی‌اش شده و جوانان و نوجوانان کمترین آشنایی با اسفندیار و رستم و تهمنیه را دارند معلوم است که به فرهنگ دیگری رو می‌آوردند که بتواند خلاهای فرهنگی آن‌ها را پر کند. اگر کمی به سریال‌های کره‌ای که در رسانه ملی بارها و بارها باز پخش شده است توجه کنیم متوجه خواهیم شد از نظر تاریخی تأکید کره بر فرهنگ به ۱۹۵۰ و شخصیتی به نام «کیم‌جو» بازمی‌گردد؛ شخصیتی که رهبر جنبش استقلال کره و رئیس دولت در تبعید این کشور است و در کتاب خود می‌نویسد: «من می‌خواهم ملتیم زیباترین ملت باشد؛ منظورم از زیباترین، قدرتمندترین نیست، زیرا حس کردام که مورد حمله قرار گرفتن چه دردی دارد... آن چیزی که در نهایت می‌خواهم، قدرت لایزال فرهنگ‌باب است.»

تأکیدی در این جملات است نقطه شروعی برای فرهنگ آنهاست، اما این موج کره‌ای به شکل امروزی که «هالی‌وو» نامیده می‌شود و ماهیتی اقتصادی فرهنگی دارد، دقیقا از سال ۱۹۹۹ با اثری مثل فیلم «شبری» شروع شد و به این طریق کره جنوبی توانست موجی که بزرگ‌ترین اتفاق فرهنگی آسیا در ۲۰ سال گذشته است را رقم بزند. حالا در سر تا سر آسیا جوانانی که کمبود آلمان‌های فرهنگی در کشور خودشان رو به رو هستند به آلمان‌های فرهنگی رو می‌آوردند که کشورهایی مثل کره با صنعت سینما به خودشان می‌دهند.

نمی‌توانیم این موضوع را انکار کنیم که سواد بصری و تأثیری که یک فیلم وسریال بر جوانان می‌گذارد غیر قابل تصور است. همان‌طور که جوانان ما با دیدن سریال‌های ترکیه‌ای به نوعی از سبک زندگی رو می‌آوردند که هیچ ربطی به کشور ما ندارد مسلما با دیدن سریال‌هایی کره‌ای هم سبک دیگری از زندگی را انتخاب می‌کنند که شباهتی به زندگی ما ندارد و از آن جایی که صنعت سینمای ما حوزارکی برای جوانان و نوجوانان ندارد خیلی واضح است که آن‌ها به فیلم‌ها و سریال‌های کشورهای دیگر علاقه مند می‌شوند.

اما موضوع حائز اهمیت این است که قدرت تخریب سریال‌های کره‌ای کم از تخریب سریال‌های ترکیه‌ای ندارد، اما مسئولین همچنان تخریب سریال‌های ترکیه‌ای را بیشتر و مضرت‌تر می‌دانند و به جای اینکه با تولید محتوای درست در بی بر طرف ساختن این موارد باشند جوانان و نوجوانان را از دیدن این سریال‌ها منع می‌کنند در حالی که این موضوع تنها پاک کردن صورت مسئله است.» او افزود: «گروه دوستان هم نقش قابل ملاحظه‌ای در خصوص جوانان و نوجوانان به سریال‌های کره‌ای دارند. وقتی یک پدیده شیوع پیدا می‌کند، بحث اشاعه گری مطرح است، یعنی اینکه فرهنگ‌ها از یکدیگر تاثیر می‌پذیرند. برخی مکتب‌ها معتقدند که فرهنگ تمدن بشر از مصر، یونان و ایران به سراسر جهان رفته است. با این حال امروزه جوانان تحت تاثیر هنرپیشه‌های سریال‌ها و کارتون‌های شرق روز قرار گرفته‌اند، جوانان این سریال‌ها را می‌بینند و خودشان را به شکل هنرپیشه‌ها درمی‌آوردند. یکی از ویژگی‌های فرهنگی شرقی آستین بلند و پاهای کوچک است.»

در واقع زنان در ژاپن و چین پاهای خود را کوچک می‌کنند، در آمریکا کمر خود را باریک، در

فیلیپین دندان‌های نیش را تیز و در اقیانوسیه گردن را بلند می‌کنند و این فرهنگ‌ها قابل انتقال به یکدیگر است. وقتی ما چیزی نداریم که به جوانان خود بدسیم و آن‌ها را از لحاظ فرهنگی رها کرده‌ایم و فقط باید و نبایند‌ها را به آن‌ها گفته‌ایم مسلم است که آن‌ها به دنبال فرهنگ دیگری می‌روند. واقعیت این است که در اکثر این موارد یک نوع سرکشی اتفاق افتاده است. در واقع جامعه دچار نوعی بیماری فرهنگی شده است، یعنی برخی هنجارها، ارزش‌ها و باورها فرو ریخته‌اند و به‌نوعی جوانان تحت تاثیر فرهنگ‌های دیگر قرار گرفته‌اند چرا که طبیعت جامعه و جوان است که نوجو، نوحوا، نوپدید و نوگرا باشد.»

کریمی افزود: «این در حالی است که وقتی جوانان را محدود می‌کنیم با اعتراض آن‌ها مواجه می‌شویم، در واقع جوانان با پوشش خود فریاد می‌زنند. وقتی خود باختگی افزایش پیدا می‌کند؛ عناصر، اجزا و بافت فرهنگی هم تغییر می‌کند و جوانان سعی می‌کنند از طریق خودسری نیاز خود را تأمین کنند. البته تغییر، لازمه جامعه است و نباید ما در گذشته بمانیم، اما تغییر به این معنی نیست که از فرهنگ خودمان تهی شویم و فرهنگ دیگر کشورها را جایگزین آن کنیم. از نظر جامعه‌شناسی تغییر نگرش پدیده خوبی است و حتی موجب شده که جوانان افکار سالمندان را تغییر دهند.

برای مثال در گذشته نباید دختر درس می‌خواند یا در اجتماع حضور پیدا می‌کرد، ولی به تدریج در وضعیت دختران تغییر ایجاد شد و این تغییر همچنان ادامه دارد. ما اگر می‌خواهیم جوانانمان به سمت فرهنگ و آلمان‌های فرهنگ کشورهای دیگر گرایش پیدا نکنند باید آلمان‌های فرهنگی خودمان را برای آن‌ها پر رنگ کنیم. اگر می‌خواهیم سریال‌های کره ای، ترکیه‌ای و یا هر کشور دیگر را نبینند باید خودمان تولید محتوای درست برای آن‌ها انجام دهیم و با آلمان‌های فرهنگی خودمان سریال‌ها و فیلم‌های باب طبعشان را بسازیم. تنها به این صورت می‌توان از رها شدن‌دی فرهنگی جوانان کشور مان جلوگیری کنیم، البته این اتفاق باید قبل از اینکه تهی از فرهنگ شویم اتفاق بیفتد.»

تب کره‌ای شدن روز به روز در حال افزایش است و این موضوع را می‌توان در نوع آرایش نوجوانان و عمل‌های جراحی زیبایی که انجام می‌دهند به خوبی دید. اما مسئولان همچنان این موضوع را نادیده گرفته و از آن چشم پوشی می‌کنند.

یکشنبه ۲۷ مهر ۱۳۹۹

یادداشت

در رثای اکبر عالمی



دکترحمیداخوین

در سالهای اول دهه هفتاد، برنامه تلویزیونی «هنر هفتم» با اجرای اکبر عالمی ، از پر بیننده ترین برنامه های تلویزیون بود. دیدن فیلم های بزرگ تاریخ سینما از صفحه تلویزیونی که بیش از یک دهه عمدتا» به پخش فیلم های تکراری ژاپنی پرداخته بود، جذاب و هیجان انگیز بود.

اکبر عالمی که خود استاد مطلق سینما بود، در مقام یک مجری بزرگوارانه بیشتر سکوت میکرد تا مهمان برنامه به نقد و تفسیر فیلم بپردازد.

در آن سالها عشق و عطش سینما در من زیاد بود و به زحمت عضو انجمن سینمای جوان شده و در بسیاری از جلسات تماشا و نقد فیلم و از جمله جذاب ترینش ماهی یک بار فیلم های بزرگ تاریخ سینما در سینما آفریقا و پرده بزرگ و نیم استوانه ای شکل آن (پانوراما) شرکت میکردم. از همان سالها بود که مجله فیلم هم به لیست مجلات متعددی که میخواندم اضافه شده بود.

اسفند ماه ۱۳۷۱، انترن (کارورز) بخش زنان بیمارستان شهدا ای تجریش بودم و خانم دکتر یگانه عالمی ، خواهر اکبر عالمی رزیدنت(دستیار

سال یک بود و من هم که آن موقع سرم برای شعر و ادبیات و سینما درد میکرد با وجود او و انترن دیگر هم کشیک ، مجید شاه حسینی ، از نویسندگان متن فیلم های روایت فتح مرتضی آوینی، که به حسب اتفاق در این دوران دوماهه همراه شده بودیم و چند تن دیگر از دوستان علاقمند، به قدر وسع، ساعت ها به بحث های ادبی و سینمایی میپرداختیم.

در همین بخش بود که براساس یکی از اشعار معروف شاملو «در اینجا چار زندان است»، با چنین مضمونی.....

«من اما هیچ کس را، در شیئی تاریک و توفانی

نکشتم

من اما راه بر مرد ربا خواری نیستم

من اما نیمه های شب ز بامی بر سر بامی نجستم مرا گر خود نبود این بند

شاید بامدادی همچو یادی دور و لغزان

میگذشتم از تراز خاک سرد پست»

شعری سرودم که هرچند در شروع و میانه به سیاق شعرهای دیگر آن دورانم به زیور طنز آراسته بود ولی به عبارتی ختم شد که چشمان استاد عزیزم، دکتر نصوحی، مدیر گروه زنان بیمارستان شهپادی تجریش را اغشته به اشک کرد....

«من اینجا شاهد آغاز پاک زندگی بودم

من اینجا شاهد پایان ترس و اضطراب یک پدر

من شاهد مادر شدن بودم

من اینجا شاهد زیباترین لبخند، زیباترین گریه ها بودم

.....

مرا گر خود نبود این شوق یاری دادن بسیار

مرا گر خود نبود این عشق شاهد بودن پایان اندوه و غم بیمار

شاید زودتر زین ها از این کار دست می شستم»

امروز قریب به ۳۰ سال از این خاطرات سینمایی گذشته است.

مجید شاه حسینی بعد فارغ التحصیلی، طبابتی نکرد و به دنبال سینما رفت و حتی دوبار دبیر جشنواره فیلم فجر شد و.....

آوینی در بهار سال ۷۲ شهید شد.

شاملو در سال ۷۹ درگذشت.

مسعود مهرابی، مدیر مسئول مجله فیلم چند ماه پیش(شهریور۹۹) درگذشت.

و حالا اکبر عالمی

اکبر عالمی برای ثبت تاریخ و ساخت مستندی از فعالیت های پزشکان و پرستاران در مقابله با کرونا، به میدان آمد که شوربختانه خود، به کرونا مبتلا شد و درگذشت.

عالمی آمده بود تا از روایت جنگ کادر درمان در مقابل کرونا فیلم های مستندی تهیه کند تا سر فرصت، روایت فتح را بسازد که چون آوینی شهید روایت شد.

عالمی قدردان بود و میدانست ثبت این روزهای تاریخی برای ملتی که حافظه تاریخی ندارد، لازم است.

افسوس ...

اصرار تاریخ به تکرارش به حدی است که به راویان صادق افشاگرش رحم نمیکنند.

به عنوان یک پزشک در مقابل مقام این مرد بزرگ سر تعظیم فرود می آورم.

«باران چه غریبانه.....رفتم از این خانه

هم سوخته شمع ما..... هم سوخته پروانه»

رشت. ۹۹/۷/۲۴ایام کرناوی